

## متن پرسش

سلام و عرض ادب احترام خدمت استاد گرامی ۱. اول از همه یک تشکر ویژه از جنابتان - که مرا با میزان آشنا نمودید - آن زمان که می فرمودید میزان بخوانید حرف بیشتر از فصوص دارد گمان می کردیم بخاطر این می فرمایید که هنوز ما را در حد فصوص نمی بینید! حال که هم اجازه فصوص را از شما گرفتیم و هم مانوس با میزان هستیم، کاملاً درک می کنیم که میزان چه نعمت بزرگی است - گرچه ما فصوص را هم تفسیر قرآن می دانیم - لکن گویی علامه رحمه الله بسیار روحشان با قرآن گره خورده بود که توانسته اند آیندگان را با آیات قرآن تفسیر کنند و حس می شود بسیار جلوتر از زمان است این تفسیر - شاید درست نباشد بگویم آقای مطهری را در مورد سالهای آینده ای که میزان را خواهند شناخت قبول ندارم و بنظرم علامه (ره) برای چندین صده بعد هم سخن ها دارند - و لذا نام مبارک تفسیر را می گذارند «المیزان فی تفسیر القرآن» لذا احساس می کنم با این نامگذاری قصد شروع تاریخ قرآنی جدیدی را دارند! که میزان و خط کش برای عمق بیشتر در قرآن را میزان می بینند - همانطور که از کلامشان در متن میزان پیداست - لذا از شما بزرگوار بسیار ممنونم که ما را زودتر با میزان روبرو کردید. ۲. در مورد شرح نهج البلاغه - بنظر حضرت عالی پس از شروحي که شما فرمودید و تقریباً تمامش را کار کرده ایم و انصافاً بهره ها برده ایم- بنظرتان دقیقاً چه نوع مواجهه ای با نهج البلاغه داشته باشیم؟ شرحی دیگر کار کنیم یا اینکه با خود متن سر و کله بزنیم؟ چون دوست دارم مدام در محضر نهج البلاغه هم باشم. ۳. در مورد اجتهاد در اسلام بنده به این نتیجه رسیدم که معارف طبق آنچه در میزان یافتیم، هیچگاه از هم جدا نیستند - ترتیب کلامی در میان نیست - یک پک یا بسته جامعی است اسلام که اخلاق آن توحید را نشان می دهد - توحید فقه را - فقه عرفان را و ..و.. و. -- لذا در این نگاه اگر بتوانیم اسلام را تعریف کنیم دیگر ربط بین اخلاق و احکام نا متعارف نخواهد بود - و معنی پیدا نمی کند که کسی بپرسد از نظر اخلاقی یا شرعی! انگاه است که باید گفت از نظر اسلام - و دیگر روشن فکر نماها نمی گویند اساساً رابطه ای بین اخلاق و اعتقادات وجود ندارد! - حال در ذهنم این است که یک برنامه اجتهادی باید در بر گیرنده قرآن باشد و قرآن آنچه را که باید در اجتهاد را به انسان می دهد و راهنمایی می کند که چه نیاز داری و چه نیاز نداری - چه علم است و چه علم نیست! لذا نظریه اجتهاد قرآنی را در ذهن خود شکل داده ام که شاید تدوین و به نتیجه رساندن آن حدود ده سال به طول بیانجامد - ولی بنظرم اگر خدا توفیق دهد و عمری بدنیا باشد اینکار را خواهم کرد - میزان را به ابعاد فقهی و فقه را به ابعاد قرآنی «بیش از پیش» رسوخ خواهم داد. اگر نکته ای در این مورد می بینید که به حقیر تذکر دهید ممنون می شوم. ۴. پیشنهادی داشتم در مورد

سایت شریف لب المیزان - آن هم اینکه سیر مطالعاتی ویرایش شود اگر حضرت استاد صلاح بدانند.  
التماس دعا. یا علی

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. بحمدالله راه گشوده شده‌ی حضرت ربّ العالمین که همان قرآن است را یافته‌اید. ۲. فکر می‌کنم با ارتباط مستقیم با کلمات علیّ اعلا بتوانید به گفتگوی آن حضرت با بشریت گوش بسپارید. ۳. بالاخره باید آنچه را در ذهن دارید در عمل، و از طریق مطالبی بنمایانید تا معلوم شود چه در سر دارید. ۴. شما در این مورد پیشنهادی دارید که به کمک کاربران آید؟ موفق باشید